

# حرکت در حجم

هنر و زندگی آثار الکساندر کالدرا (۱۸۹۸-۱۹۷۶)

مینو دلیری

- نام کتاب: الکساندر کالدرا
- مؤلف: جکوب بال - تشووا
- مترجم: خاطره درودی مقدم
- ناشر: نشر آبان
- نوبت چاپ: اول ۱۳۹۰

الکساندر کالدرا از برجسته‌ترین مجسمه‌سازان خلاق و نوآور قرن بیستم است. شهرت جهانی او بیش از هر چیز، به دلیل مجسمه‌های متحرکی است که بر اثر باد حرکت می‌کنند و در اندازه‌ها و رنگ‌های درخشان و ساده ارائه می‌شوند. اگرچه کالدرا پیشگام و مروج «مجسمه‌سازی متحرک» است، اما مجسمه‌های ثابت و ایستایی نیز دارد که از صفحات فلزی به هم پیچ شده، ساخته شده‌اند. علاوه بر این، او نقاشی می‌کرد، طراحی رنگی با گواش انجام می‌داد، اسباب‌بازی‌های مضحک و جواهرات می‌ساخت. او هم‌چنین به دلیل تصویرگری، کارهای گرافیکی و نقاشی روی هواپیما و اتومبیل شهرت دارد.





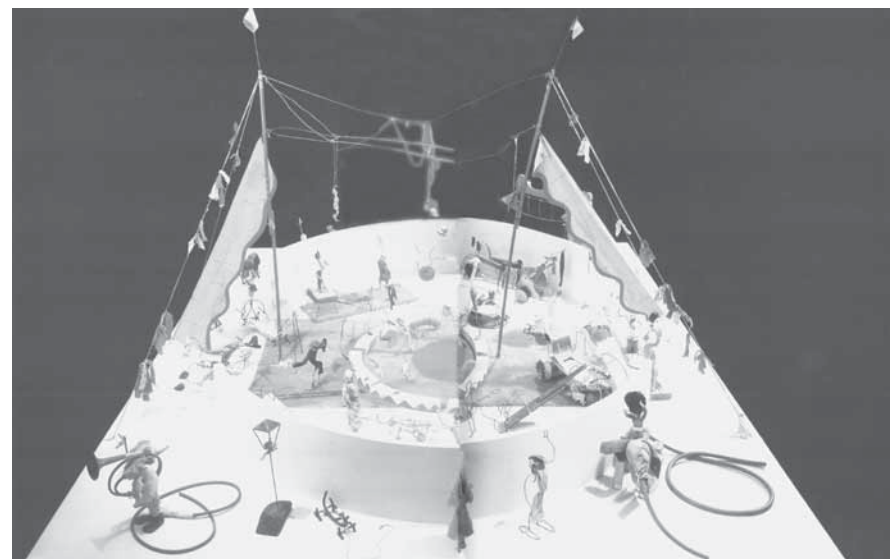
دژبان، ۱۹۳۰، سیم

کالدور هنر خود را بر روی هر ماده‌ای که بتوان از آن مجسمه ساخت، آزمایش می‌کرد. او از وسایل عادی و بدقواره روزمره تا چوب و فلز که با رنگ‌های اولیه رنگ شده بود، استفاده می‌کرد. کالدور با پیکره‌های سیمی خود، نقش به‌سزایی در چهره‌پردازی داشت و مروج دستاوردهای هنرمندان کوبیست و فوتوریست در این زمینه شد. (تصویر ۲)

الکساندر کالدور در حومه فیلادلفیا در سال ۱۸۹۸ به دنیا آمد. پدر و پدربزرگ او مجسمه‌سازان مشهوری بودند که آثاری بر سبک نئوکلاسیک در شهرهای مختلف از آن‌ها به جای مانده است.

او در سال ۱۹۱۹ موفق به دریافت مدرک مهندسی مکانیک شد، اما مشاغل مختلفی را تا سال ۱۹۲۲ تجربه کرد. تا این‌که بالاخره تصمیم گرفت در دنیای هنر فعالیت کند و به تصویرگری در مجلات پرداخت، در همین زمان به دیدن سیرکی دعوت شد که بعد از آن دو هفته تمام هر روز به تماشای آن رفت. او می‌گوید: «من عاشق سیرک بودم، بنابراین تصمیم گرفتم، محض تفریح، یک سیرک برپا کنم.»

او در سال ۱۹۲۶، مدل مینیاتوری سیرک افسانه‌ای‌اش را ساخت. حرکات پشت سرهم و سریع نمایش‌های سیرک، قدرت مشاهده او را تقویت کرد. کمی بعد از آن بود که به خاطر نمایش حرکت در آثار و لحن طعنه‌آمیزش، به شهرت رسید. علاقه او به سیرک مینیاتوری بیش از سی سال ادامه پیدا کرد و تعداد اعضای گروهش به پنجاه نفر رسید. او مانند یک کودک وسط «اسباب‌بازی‌هایش»

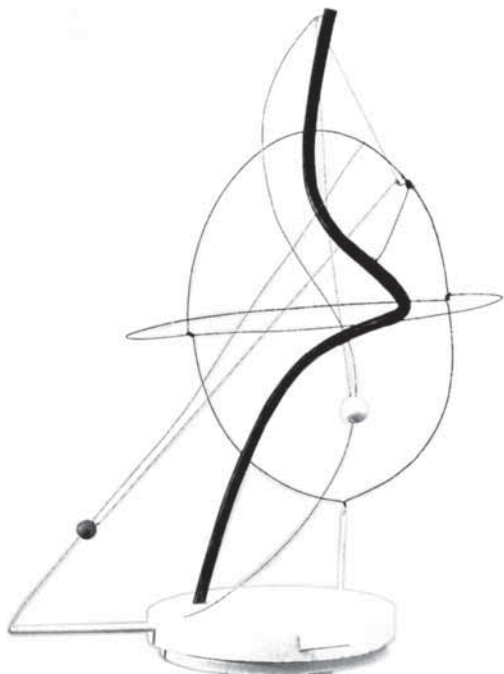


سیرک کالدور ۱۹۳۰-۱۹۲۶

می‌نشست و با صداها و حرکاتی که از خود درمی‌آورد به عروسک‌ها جان می‌بخشید. (تصویر ۳)

تماشاگران کالدور هنرمندان سنت‌شکن و منتقدان هنری بودند. او در سال ۱۹۲۶ به پاریس سفر کرد، و در آن‌جا با هنرمندان بسیاری آشنا شد.

در سال ۱۹۲۹ اولین نمایشگاه انفرادی خود را برگزار کرد و در آن مجسمه‌های سیمی و چوبی‌اش را به نمایش گذارد. اما یک سال بعد، آغاز ورود او به دنیای



گیتی ۱۹۲۴. مجسمه متحرک مجهز به موتور، لوله آهنی رنگ شده، سیم، چوب، ریسمان

انتزاعی بود. یکی از عوامل ایجاد این تغییر، آشنایی او با «پیت موندریان» و دیدار وی از آتلیه‌اش بود. او می‌گوید: «گمان می‌کنم نظام کیهانی، یا شاید بخشی از آن، از همان هنگام زیربنای اصل همه کارهایم بوده است. منظور من فکر ساختن پیکره‌های از هم گسیخته‌ای است که در اندازه، تراکم و شاید رنگ‌های مختلف در فضا شناورند [...] بعضی ثابت و بعضی در حرکت‌اند.»

بن‌مایه این طرح‌ها بعد از بازدید کالدور از یک افلاک‌نما در ذهنش شکل گرفت. تجربه مشاهده اجرام آسمانی و شناور در فضای کهکشان، الهام‌بخش او در ساختن مجسمه‌هایی نظیر گیتی شد.



روزی آلبرت انیشتاین بعد از آن که ۴۰ دقیقه، در مقابل یکی از مجسمه‌های متحرک و موتوردار او ایستاد، گفت: «ای کاش فکر ساختن آن به ذهن خودم رسیده بود.» الکساندر کالدِر در طول سال‌ها سه نوع مجسمه متحرک ساخت؛ نوع اول بر روی صفحه سوار بود، نوع دوم به دیوار وصل می‌شد و نوع سوم آزادانه در هوا شناور بود.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، کالدِر مجسمه‌های ثابت نیز می‌ساخت. ساختارهای فولادی ثابت متشکل از صفحات فلزی که با پیچ و مهره و پرچ به هم وصل می‌شدند. کالدِر دربارهٔ این مجسمه‌ها چنین می‌گوید: «اگر کسی بخواهد منطقی برای این مجسمه‌ها بیابد، به زیبایی آن پی نخواهد برد. باید با آن‌ها خو بگیریم...»

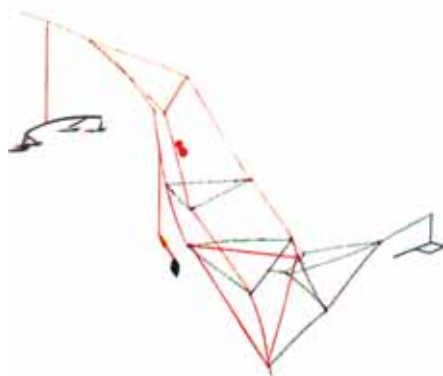
بعد از جنگ و با بهبود وضعیت اقتصادی، کالدِر سفارش‌های متعددی برای ساخت مجسمه‌های متحرک دریافت کرد. اغلب این مجسمه‌ها بسیار بزرگ بودند، بزرگ‌ترین آن‌ها بیش از ۶۰۹×۶۰۹ سانتی‌متر است.

از سال ۱۹۵۱ دو مجموعهٔ جدید به کارهای کالدِر افزوده شد. «ناقوس‌ها» و «برج‌ها». مواد فلزی به کار رفته در ناقوس‌ها، هنگام ورزش باد، آهنگ می‌نواختند. و برج‌ها ساختارهای معماری کوچکی بودند. مجسمه‌های متحرک کوچک یا قسمت‌های شناور که روی سکوه‌های سیمی باز آویزان می‌شدند.

در سال ۱۹۷۳ سفارشی از خطوط هوایی برای رنگ کردن سه هواپیما دریافت کرد. او هم‌چنین رنگ‌آمیزی چند ماشین را به‌عهده گرفت.

کالدِر در سال ۱۹۷۶، اندکی بعد از برپایی بزرگ‌ترین نمایشگاه بازنگری آثارش، درگذشت.

به او لقب «موتسارت فضا» داده بودند. کالدِر به مردم شادی می‌بخشید و مورد علاقه و تحسین آنان بود. او در جایگاه معدود هنرمندانی است، که نظرات و هنرش، به قرن بیستم، ویژگی می‌بخشید.



برج دوشاخه، ۱۹۵۰، فلز رنگ شده و سیم و چوب

در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ کارهای کالدِر، بیش‌تر شامل مجسمه‌های ثابت و عظیم بود. این مجسمه‌ها بیشتر پرندگان دایناسورها و دیگر موجودات عجیب‌الخلقه را به تصویر می‌کشیدند.

#### منبع

الکساندر کالدِر، جکوب بال - تشوا. مترجم: خاطره درودی مقدم، کتاب آبان، ۱۳۹۰

